

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال هفتم، شماره بیست و ششم، بهار 1394

صص 73-83

بررسی رابطه بین نرخ باسوادی و مهاجرت در ایران

دکتر سیدعلی پایتختی اسکویی¹

لاله طبیحی اکبری²

تاریخ دریافت مقاله: 1394/9/22

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: 1395/5/23

چکیده

مهاجرت یکی از عوامل تاثیرگذار بر جمعیت بوده و دارای اثرات منفی و مثبت دراز مدت و کوتاه مدت است، که این اثرات تغییراتی را در ساختار اجتماعی و اقتصادی منطقه مهاجر فرست و مهاجر پذیر وارد می‌کند. عوامل بسیاری بر مهاجرت تاثیرگذار هستند که در این بین نقش نرخ باسوادی حائز اهمیت فراوانی می‌باشد. سطح سواد و تحصیلات به عنوان یکی از شاخص‌های میزان توسعه‌یافتگی، با ایجاد زمینه گسترش آگاهی افراد جامعه باعث افزایش مهارت و تخصص نیروی کار و بهبود شرایط زندگی شده و می‌تواند انگیزه‌های مهاجرت را تحت تاثیر قرار دهد. در این مقاله، علاوه بر نرخ باسوادی، تاثیر متغیرهای رشد اقتصادی، نرخ بیکاری و ضریب نفوذ اینترنت نیز بر مهاجرت با استفاده از اطلاعات سال 1390 مورد بررسی قرار گرفته و برای برآورد اثرات متغیرها از تکنیک داده‌های مقطعی به شیوه حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) استفاده شده است. نتایج رگرسیونی حاکی از آن است که، نرخ باسوادی و رشد اقتصادی تاثیر منفی بر مهاجرت دارند، ولی نرخ بیکاری و ضریب نفوذ اینترنت تاثیر مثبتی بر مهاجرت دارند. **واژگان کلیدی:** نرخ باسوادی، مهاجرت و داده‌های مقطعی.

مقدمه

موضوع مهاجرت همواره مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی و اقتصاددانان بوده است. مهاجرت بر حسب شرایطی که آن را موجب می‌گردد به انگیزه‌های مختلف و اشکال متنوع روی می‌دهد و پیامدهای متفاوتی را بر جای می‌گذارد. مهاجرت یکی از عوامل تاثیرگذار بر جمعیت بوده و دارای اثرات منفی و مثبت دراز مدت و کوتاه مدت است و این اثرات تغییراتی را در ساختار اجتماعی و اقتصادی منطقه مهاجر فرست و مهاجر پذیر وارد می‌کند. لذا شناخت هرچه بیشتر و جامع‌تر این پدیده و عوامل موثر بر آن یک

1. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه اقتصاد؛ تبریز - ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: paytakhti@iaut.ac.ir & oskooe@yahoo.com

2. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

E-mail: lalehtabaghchi@gmail.com

ضرورت مطلق در تحقیقات علمی یا برنامه‌ریزی‌های کاربردی می‌باشد، که در این بین نقش نرخ باسوادی حائز اهمیت فراوانی می‌باشد، که به شدت می‌تواند انگیزه مهاجرت‌های روستایی به شهری و شهرهای کوچک به کلانشهرها را تحت‌تاثیر قرار دهد (کتاری^۱، ۲۰۰۲).

سوال اساسی مقاله حاضر این است که، رابطه بین نرخ باسوادی و مهاجرت در ایران چگونه است؟ از آنجایی که در اکثر مطالعات انجام گرفته در زمینه مهاجرت، مطالعه مشخصی در خصوص بررسی ارتباط بین نرخ باسوادی و مهاجرت با استفاده از تکنیک داده‌های مقطعی با رهیافت حداقل مربعات معمولی پویا^۲ (DOLS) برای استان‌های کشور صورت نگرفته است، لذا در این مقاله به بررسی رابطه نرخ باسوادی و مهاجرت در ایران به لحاظ استانی پرداخته شده و اطلاعات سال ۱۳۹۰ با استفاده از روش داده‌های مقطعی با رهیافت حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. مهاجرت با تاثیرپذیری مهاجران از جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از محیط جدید، آثار مهمی بر سیمای ظاهری و همچنین زندگی روزمره افراد دارد، که در قالب تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نمود می‌یابد. تغییرات ناشی از مهاجرت ممکن است در سطح گروهی و یا فردی باشد. کلمه مهاجر، خود به خود نوعی تفاوت در نگرش‌ها و خلق و خوی افراد را به ذهن متبادر می‌کند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲).

پدیده مهاجرت به عنوان یک عامل اجتماعی، می‌تواند دارای کارکردهای مثبت و منفی باشد. اگر چه ممکن است مهاجرت به دلایل مختلفی انجام پذیرد، اما شناخت این علل در بین کشورها، شهرها و حتی روستاها، مستلزم شناخت تفاوت‌هاست. مهاجرت تصمیمی ساده و روشن، که آینده‌ای مشخص پیش روی مهاجر قرار دهد، نیست. اگر چه پدیده مهاجرت در همه جوامع و دوره‌ها مطرح بوده است، اما ماهیت، علل و آثار آن در جوامع مختلف یکسان نیست (تقوی، ۱۳۸۷: ۱۱).

مهاجرت پدیده‌ای پیچیده است که توجه بسیاری از محققین علوم مختلف؛ مانند جامعه‌شناسی، آمار، جغرافیا و اقتصاد را به خود جلب کرده است. شاید در گذشته پدیده مهاجرت از نظر اقتصادی مثبت بود زیرا وسیله‌ای برای تخصیص بهینه منابع به لحاظ انتقال نیروی انسانی از نواحی کم‌بازده به نواحی پر بازده به‌شمار می‌آمد، اما امروزه با دیدن نرخ‌های بالای مهاجرت به شهرهای بزرگ، افزایش حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ، وجود تفاوت قابل ملاحظه در نرخ‌های بیکاری و سطح درآمد بین مناطق مهاجرپذیر و مهاجرفرست و همچنین، دیگر مشکلات اجتماعی و اقتصادی که در اثر آن به وجود می‌آید، این مساله به مشکلی جدی تبدیل شده است (رحمانی و دیگری، ۱۳۹۰: ۲).

^۱. Kothari

^۲. Dynamic Ordinary Least Squares

عوامل بسیاری بر این مهم تاثیر گذار هستند، که در این بین، تاثیر عامل باسوادی را نمی‌توان از نظر دور داشت. عمدتاً سطح سواد یا در بیانی نرخ باسوادی به واسطه افزایش بهره‌وری نیروی کار و ارتقاء سطوح دستمزدها، می‌تواند اثرات منفی بر مهاجرت داشته باشد. در واقع سطح سواد و تحصیلات می‌توانند نرخ مهاجرت را سرقت بخشند (گلاسر^۱، ۱۹۷۸). چرا که، نرخ باسوادی که به واسطه آموزش (تعلیم و تربیت) ایجاد شده است، می‌تواند زمینه‌های ارتقاء نیروهای کار تحصیل کرده و ماهر را در جوامع روستایی و شهری (به ویژه جامعه شهری) فراهم ساخته و به تدریج آن‌ها را به سطح بهره‌وری بالاتر سوق داده و انگیزه‌های افزایش تقاضای نیروی کار و استخدام را از جانب کارفرمایان فراهم کرده و همچنین زمینه‌ساز افزایش سطح دستمزدها گردیده است. در چنین حالتی نیز پرواضح است که، انگیزه‌های مهاجرتی افراد به حد قابل توجهی می‌تواند تقلیل یابد، ولی در چنین حالتی اگر مابه‌التفاوت دستمزدها برای چنین نیروی کاری در جوامع گوناگون (عمدتاً جوامع شهری بزرگ) در حد بالایی باشد، می‌توان انتظار مهاجرت به کلان شهرها را نیز داشت (فرتوک‌زاده و دیگری، ۱۳۸۷).

از طرفی نیز به واسطه کمبود امکانات آموزشی در روستاها، فرآیند مهاجرت به جوامع شهری امری اجتناب‌ناپذیر بوده و افراد روستایی به جهت دسترسی به امکانات آموزشی بالاتر در جهت نیل به سطح سواد و تحصیلات بالاتر، انگیزه بیشتری نسبت به مهاجرت به شهرهای بزرگ دارند و به تدریج در بلندمدت نیز ساکن شهرهای بزرگ شده و در این جوامع مشغول به کار و زندگی می‌شوند، لذا مهاجرت‌های روستایی به شهری می‌تواند نرخ مثبتی را به همراه داشته باشد (گل محمدی، ۱۳۹۲).

از طرفی نیز به دلیل مشکلات فقر و کمبود امکانات تولیدی در روستاها همواره شاهد بی‌ثباتی مولفه‌های تولید و کاهش رشد درآمد سرانه و تقلیل دستمزد نیروی کار به حد قابل توجهی در روستاها می‌باشیم، که می‌تواند رفاه ذهنی و جسمی نیروی کار را تحت تاثیر قرار داده و انگیزه کار بهتر را از بین ببرد و در نتیجه، بازدهی و بهره‌وری نیروی کار را کاهش دهد، حتی برای نیروهای کار تحصیل کرده و ماهر روستایی که سابقه تحصیلات و کار در کلانشهرها را داشتند و صرفاً جهت خدمت و توسعه مکان مادری خود به روستاها بازگشته بودند، که چنین امری می‌تواند بر انگیزه مهاجرت به شهرها در حد قابل توجهی دامن بزند (ماتوو و همکاران^۲، ۲۰۰۵).

کانوال و همکاران^۳ (۲۰۱۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان عوامل اجتماعی و اقتصادی تعیین‌کننده مهاجرت روستایی-شهری در پاکستان، به بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر در مهاجرت روستاییان به شهرها در کشور پاکستان پرداختند. برای نیل به این منظور از اطلاعات سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ بهره گرفته شد و نرم‌افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل اطلاعات مورد استفاده قرار گرفت. روش لجستیک نیز جهت تحلیل

^۱. Glaser

^۲. Mattoo et al

^۳. Kanwal et al

اثرات متغیرها استفاده شد. نتایج حاکی از آن است که ارتباط معنی‌داری بین اشتغال، زمین‌های کشاورزی، کسب و کار، باسوادی و ازدواج با تصمیم به مهاجرت وجود دارد.

ملامود و موزنیاک^۱ (2012)، در پژوهشی تحت عنوان تاثیر دانشگاه بر مهاجرت: شواهدی از نسل ویتنام، به بررسی تاثیر دانشگاه بر مهاجرت در ویتنام پرداخت، این پژوهش برای داده‌های سال‌های 1940 تا 2000 با استفاده از روش‌های حداقل مربعات معمولی (OLS) و حداقل مربعات معمولی دو مرحله‌ای (2SLS) انجام شد. بر اساس نتایج حاصله، بر اساس نتایج هر دو برآوردگر، شاهد روابط مثبت معنی‌داری در ویتنام طی سال‌های مورد بررسی می‌باشیم.

گوان و میسلروی^۲ (2012)، در مقاله‌ای تحت عنوان عوامل تعیین‌کننده مهاجرت در جزایر کوچک، به بررسی عوامل تعیین‌کننده مهاجرت در 42 منطقه گرمسیر که کمتر از سه میلیون جمعیت دارند در طی سال‌های 2006 تا 2010 پرداختند، 23 جزیره جزء جزایر مهاجرپذیر و 19 جزیره جزء جزایر مهاجرفرست بودند. جهت نیل به این منظور 12 متغیر مستقل در قالب شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی در مدل وارد شدند و از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) جهت برآورد اثرات متغیرها استفاده شد. نتایج حاکی از آن است که، نرخ باسوادی، درآمد سرانه، بیکاری، فعالیت‌های خدماتی، نیروی کار، اندازه زمین، نرخ رشد جمعیت، نرخ زادوولد، نرخ مرگ و میر، نسبت جنسیتی، امید به زندگی و نرخ مرگ و میر نوزادان تاثیرات معنی‌داری بر نرخ مهاجرت داشتند، که در این بین، بیشترین مهاجرت‌ها مربوط به درآمد سرانه است و کمترین میزان مهاجرت‌ها نیز مربوط به بیکاری می‌باشد.

ماهاپاترو^۳ (2010)، به بررسی الگوها و عوامل موثر بر مهاجرت زنان در کشور هندوستان پرداخت و دوره‌های زمانی 1971 تا 2001 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. جهت برآورد اثرات متغیرها نیز از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شد. بر اساس نتایج حاصله، عوامل اقتصادی به تفکیک نرخ باسوادی زنان، مناطق آبی تحت کشت، نرخ بیکاری زنان، نرخ مهاجرت مردان، نرخ باسوادی زنان، نسبت جمعیت طبقه‌ای و قبیله‌ای به جمعیت زنان، کودکان زنان، دسترسی به آب آشامیدنی و برق در روستاها، موسسات آموزشی، دسترسی به امکانات پزشکی و حمل و نقل اثرات قابل ملاحظه‌ای را بر نرخ مهاجرت زنان در طی سال‌های مورد بررسی ایفا کرده‌اند.

فرر و همکاران^۴ (2004)، در پژوهشی به بررسی تاثیر باسوادی بر مهاجرت به واسطه عایدات مهاجران و سطح درآمد پرداختند. این مطالعه برای کشور کانادا انجام شد و داده‌های سال‌های 1994، 1996 و

^۱. Malamud & Wozniak

^۲. Guan & Mcelroy

^۳. Mahapatro

^۴. Ferrer et al

1998 مورد بررسی قرار گرفت. مهاجران 16 تا 69 سال به عنوان نمونه آماری مورد بررسی قرار گرفتند و جهت برآورد اثرات متغیرها نیز از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شد. بر اساس نتایج رگرسیونی، از یک سو، باسوادی منجر به ارتقاء سطوح درآمدی بالاتری برای مهاجران حاضر می‌شود و می‌تواند نرخ مهاجرت‌های بعدی را کاهش دهد و از سوی دیگر، اگر عایدی کمتری به همراه داشته باشد، می‌تواند انگیزه مهاجرت به مناطق دیگر را نیز به همراه داشته باشد.

مستوفی‌الممالکی و همکاران (1393)، به بررسی الگوهای حرکتی مهاجرت‌های بین استانی و تعیین عوامل موثر بر آن‌ها در ایران پرداخت. این مطالعه برای فاصله زمانی سرشماری‌های 1375 و 1385 صورت گرفت و جهت بررسی رابطه از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که استان‌های تهران و خراسان رضوی به ترتیب اولین و دومین مقصد مهاجران روستایی و شهری برای مهاجرت در داخل کشور می‌باشند و عناوین جستجوی کار، جستجوی کار بهتر، انتقال شغلی، تحصیل، پایان تحصیل، انجام خدمت وظیفه، پایان خدمت وظیفه و پیروی از خانوار به عنوان علل مهاجرت تعیین شدند.

بنی‌اسدی و همکاران (1392)، به بررسی عوامل اقتصادی موثر بر مهاجرت روستاییان در ایران پرداختند. جهت بررسی این رابطه از سیستم معادلات همزمان استفاده شد و دوره‌های زمانی 1353 تا 1386 مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن است که بهبود توزیع درآمد، افزایش مخارج دولتی در عمران روستاها، کاهش شکاف دستمزد میان شهر و روستا و همچنین سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی منجر به کاهش روند مهاجرت به شهرها خواهد شد. همچنین افزایش شاخص قیمت محصولات کشاورزی، افزایش نرخ باسوادی، رشد اقتصادی و افزایش سطح زیر کشت از طریق اثرگذاری مثبت بر سرمایه‌گذاری کشاورزی، منجر به کاهش مهاجرت از روستا به شهر خواهند شد.

جعفری (1392)، به بررسی عوامل موثر بر مهاجرت روستاییان و تاثیر بر تولید کشاورزی و تحلیلی بر عوامل موثر بر تمایل و انگیزه بر مهاجرت روستاییان به شهر در روستاهای شهرستان مرودشت با استفاده از مدل لاجیت پرداخت. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که کاهش ضریب جینی، بهبود توزیع درآمد، افزایش مخارج دولتی در عمران روستاها، کاهش شکاف دستمزد میان شهر و روستا و همچنین سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی منجر به کاهش روند مهاجرت به شهرها خواهد شد. همچنین افزایش شاخص قیمت محصولات کشاورزی، افزایش نرخ باسوادی، رشد اقتصادی و افزایش سطح زیر کشت و افزایش بهره‌وری نیروی کار استفاده صحیح از ماشین‌آلات از طریق اثرگذاری مثبت بر بهره‌وری کشاورزی منجر به کاهش مهاجرت از روستا به شهر خواهند شد. همچنین نتایج نشان داد که متغیرهای مسافت و مالکیت زمین اثر منفی و متغیرهای درآمد، کمبود امکانات و تسهیلات آموزشی، کمبود امکانات رفاهی و بهداشتی، کثرت امکانات در شهر و کمبود امکانات تفریحی و ورزشی اثر مثبت بر تمایل و انگیزه مهاجرت دارد.

جمالی و فیضی (1390)، به کاربرد مدل رگرسیون کلاس پنهان در مدل‌سازی عوامل مرتبط با مهاجرت‌های بین استانی در ایران طی دوره‌های زمانی 1345 تا 1385 پرداختند. استان‌ها نیز از لحاظ مهاجرپذیری یا مهاجرفرستی به دو گروه جداگانه قرار گرفتند. نتایج نشان داد که استان‌های تهران، اصفهان، قم، مازندران، بوشهر، سمنان و یزد رده استان‌های مهاجرپذیر را تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین عواملی که با میزان مهاجرت بین استانی در ارتباط بودند عبارت است از: میزان شهرنشینی، سطح تحصیلات، نسبت جنسی، بعد خانوار، ضریب توسعه یافتگی صنعتی و معدنی و نرخ بیکاری. غفاری‌مقدم و صبوحی (1386)، به بررسی عوامل موثر بر مهاجرت از روستا به شهر در ایران پرداختند. جهت نیل به این منظور از سیستم معادلات بازگشتی استفاده شد و دوره‌های زمانی 1383 تا 1354 مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که افزایش سرمایه، نیروی کار، دستمزد روستایی و سطح سواد باعث کاهش مهاجرت و افزایش سطح زیرکشت، افزایش دستمزد شهری نسبت به روستایی و افزایش ماشین‌آلات باعث افزایش مهاجرت می‌شود.

ابزار و روش تحقیق

در این مقاله تاثیر نرخ باسوادی بر مهاجرت در سال 1390 مورد مطالعه قرار می‌گیرد و برای برآورد اثرات متغیرها نیز، از تکنیک داده‌های مقطعی¹ به شیوه حداقل مربعات معمولی پویا² (DOLS) استفاده می‌شود. مدل مورد بررسی در این مقاله، با الهام از مقاله کانوال و همکاران³ (2015) به صورت زیر معرفی می‌شود:

$$IM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 LI_{it} + \alpha_2 IP_{it} + \alpha_3 UNE_{it} + \alpha_4 EG_{it} + \varepsilon_{it}$$

IM: نشان دهنده نرخ مهاجرت می‌باشد.

LI: گویای نرخ باسوادی می‌باشد.

متغیرهای کنترلی نیز به شرح زیر معرفی می‌شوند:

IP: نشانگر ضریب نفوذ اینترنت است.

UNE: بیانگر نرخ بیکاری می‌باشد.

EG: بیانگر رشد اقتصادی است، که از رشد تولید ناخالص داخلی حاصل شده است.

ε : نیز بیانگر جمله خطای تصادفی می‌باشد.

¹. Cross-Sectional Data

². Dynamic Ordinary Least Squares

³. Kanwal et al

داده‌های مربوط به تمامی متغیرهای مدل از مرکز آمار ایران گردآوری شده‌اند. لازم به ذکر است که تحلیل‌ها در نرم‌افزار 9 Eviews صورت گرفته است.

وضعیت متغیرهای مورد بررسی

وضعیت شاخص‌های مورد بررسی را می‌توان به شرح زیر و جدول (1) خلاصه نمود:

- کمترین آمار نرخ مهاجرت مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد (0/76) و بیشترین آن نیز مربوط به استان تهران (19/86) می‌باشد.
- کمترین آمار نرخ باسوادی مربوط به استان سیستان و بلوچستان (71/56) و بیشترین آن نیز مربوط به استان تهران (90/46) می‌باشد.
- کمترین آمار نرخ بیکاری مربوط به استان کرمان (6/90) و بیشترین آن نیز مربوط به استان کرمانشاه (15/70) می‌باشد.
- کمترین آمار نرخ رشد اقتصادی مربوط به استان ایلام (0/43) و بیشترین آن نیز مربوط به استان بوشهر (3/11) می‌باشد.
- کمترین آمار ضریب نفوذ اینترنت مربوط به استان یزد (2/00) و بیشترین آن نیز مربوط به استان تهران (26) می‌باشد.

جدول شماره (1): وضعیت متغیرها

استان	مهاجرت	نرخ باسوادی	نرخ بیکاری	رشد اقتصادی	ضریب نفوذ اینترنت
آذربایجان شرقی	3/46	82/08	7/80	0/66	15/70
آذربایجان غربی	2/28	78/84	9/90	1/40	11/40
اردبیل	1/68	80/77	11/30	1/66	13/60
اصفهان	5/90	87/77	12/40	1/37	22/50
البرز	7/35	90/23	11/70	3/04	22/10
ایلام	0/87	82/35	11/10	0/43	16/40
بوشهر	2/01	83/64	9/00	3/11	19/80
تهران	19/86	90/46	8/30	1/44	26/00
چهارمحال و بختیاری	1/18	82/54	15/00	0/86	14/20
خراسان جنوبی	1/23	82/48	7/60	0/81	16/10
خراسان رضوی	5/70	86/30	10/80	1/40	15/10
خراسان شمالی	1/53	80/26	14/20	1/35	12/90
خوزستان	4/45	83/55	9/90	1/17	14/80
زنجان	1/45	82/35	9/80	1/04	17/00
سمنان	1/65	88/40	11/30	1/37	24/00

سیستان و بلوچستان	2/22	71/56	10/90	1/05	6/60
فارس	4/37	86/32	12/40	1/17	17/40
قزوین	1/77	84/08	11/90	1/00	17/00
قم	2/20	86/58	9/20	1/93	20/55
کردستان	2/13	77/97	11/60	0/73	12/30
کرمان	2/08	82/20	6/90	2/07	14/00
کرمانشاه	2/95	81/72	15/70	0/69	13/00
کهگیلویه و بویراحمد	0/76	81/91	14/80	0/76	14/50
گلستان	2/24	83/00	12/40	1/90	13/60
گیلان	0/61	84/29	13/20	0/62	14/90
لرستان	2/18	80/44	14/90	0/44	12/70
مازندران	3/17	85/70	12/70	1/02	16/60
مرکزی	2/41	83/84	7/00	0/91	17/10
هرمزگان	2/42	83/67	10/30	2/37	13/90
همدان	2/78	82/57	7/70	0/64	13/50
یزد	1/91	87/78	7/80	1/63	2/00

منبع: (مرکز آمار ایران).

یافته‌ها

نتایج حاصل از برآورد مدل به شیوه حداقل مربعات معمولی پویا در جدول شماره (2) ارائه شده است:

جدول شماره (2): نتایج تخمین مدل

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob
C	-23/3610	9/4789	-2/4645	0/0209
LI	-0/2923	0/1208	-2/4189	0/0232
IP	0/2896	0/0930	3/1126	0/0046
UNE	0/4900	0/2242	2/1848	0/0385
EG	-0/3382	0/1337	-2/5295	0/0176
R ²		0/9923		
R ² تعدیل شده		0/9841		
آماره دوربین - واتسون		1/7843		

منبع: (یافته‌های تحقیق).

- نرخ باسوادی تاثیر منفی بر نرخ مهاجرت دارد و در سطح پنج درصد معنی‌دار می‌باشد. نرخ باسوادی می‌تواند زمینه‌های ارتقاء نیروهای کار تحصیل کرده و ماهر را در جوامع روستایی و شهری (به

ویژه جامعه شهری) فراهم ساخته و به تدریج آن‌ها را به سطح بهره‌وری بالاتر سوق داده و انگیزه‌های افزایش تقاضای نیروی کار و استخدام را از جانب کارفرمایان فراهم کرده و همچنین زمینه‌ساز افزایش سطح دستمزدها گردد. در چنین حالتی نیز پر واضح است که، انگیزه‌های مهاجرتی افراد می‌تواند به حد قابل توجهی تقلیل یابد.

- نرخ بیکاری تاثیر مثبتی بر نرخ مهاجرت دارد و در سطح پنج درصد معنی‌دار می‌باشد. دلیل این امر کاملاً واضح و آشکار است که، وقتی سرمایه‌گذاری به اندازه کافی نباشد، زمینه‌های ایجاد فرصت‌های شغلی و جذب نیروی کار محدود می‌شود و نرخ بیکاری افزایش می‌یابد، در چنین حالتی افراد جهت دسترسی به فرصت‌های شغلی به ناچار تصمیم به مهاجرت می‌گیرند، به‌ویژه در مناطق روستایی در جهت مهاجرت به مناطق شهری.

- رشد اقتصادی تاثیر منفی بر نرخ مهاجرت در سطح معنی‌داری پنج درصد دارد. بر طبق نظریه پردازان مهاجرتی نوکلاسیکی، دلیل این رابطه مثبت را در دیدگاه‌های فردی هم‌چون حداکثرسازی درآمد و سود در مناطق با رشد اقتصادی بالا می‌توان خلاصه نمود، که موجب می‌شود افراد از نواحی با درآمد پایین به نواحی با درآمد بالا که در آن فرد بهره‌ورتر و دارای دستمزد بالاتر است، مهاجرت کنند.

- ضریب نفوذ اینترنت تاثیر مثبتی بر نرخ مهاجرت در سطح معنی‌داری یک درصد دارد، با افزایش نفوذ اینترنت در برد وسیع با استفاده از شبکه‌های گسترده جهانی، تمام حوزه‌های کاری، آموزشی و رفاهی جوامع اعم از علمی، صنعتی، کشاورزی، صنایع‌دستی و خدماتی قادر خواهند بود با ارائه محصولات و توان‌مندی‌های خود در سایت‌ها انگیزه‌های مهاجرت بیشتر را به ویژه در قشر جوان روستایی ایجاد نمایند.

- با توجه به میزان آماره دوربین واتسون (DW) در مدل مربوطه، مشکل خود همبستگی وجود ندارد.
- بر اساس مقادیر ضرایب تعیین R^2 و R^2 تعدیل شده) نیز می‌توان اذعان داشت که، متغیرهای نرخ باسوادی، رشد اقتصادی، نرخ بیکاری و ضریب نفوذ اینترنت توانسته‌اند تغییرات متغیر مهاجرت را به طرز مطلوبی پاسخ دهند، لذا مدل دارای قدرت توضیح دهنده بالایی می‌باشد.

بحث و نتایج

هدف این مقاله، بررسی تاثیر متغیرهای نرخ باسوادی، رشد اقتصادی، نرخ بیکاری و ضریب نفوذ اینترنت بر مهاجرت بود، که جهت نیل منظور اطلاعات آماری سال 1390 به شیوه هم انباشتگی پانلی با رهیافت حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از برآورد صورت گرفته نیز نشان داد که، نرخ باسوادی و رشد اقتصادی تاثیر منفی بر مهاجرت دارند، ولی نرخ بیکاری و ضریب نفوذ اینترنت تاثیر مثبتی بر مهاجرت دارند.

پیشنهادهای تحقیق

1. با توجه به رابطه منفی نرخ باسوادی و مهاجرت، ایجاد مراکز آموزشی با امکانات و خدمات مناسب به ویژه در مناطق محروم به نحوی که از نظر مکان‌یابی و سطح خدمات از جمله شبانه‌روزی کردن مراکز و داشتن امکانات و تجهیزات مناسب بتواند به مجموعه‌ای از مناطق تحت پوشش به ویژه روستاها سرویس بدهد، می‌تواند یکی از راهکارها جهت افزایش نرخ باسوادی و کاهش آهنگ مهاجرت از مناطق محروم باشد.
2. با توجه به رابطه منفی رشد اقتصادی و مهاجرت، بایستی زمینه‌های گسترش هر چه بیشتر فرآیند رشد اقتصادی را در ایران به واسطه تولید بیشتر فراهم ساخت، که جهت نیل به این منظور، به کارگیری ترکیب مناسبی از نهاده‌های تولیدی (نهاده‌های نیروی کار، سرمایه فیزیکی و منابع انرژی) خواهد توانست سطح تولید و در نتیجه آهنگ رشد درآمدها را در این کشورها تا حد قابل توجهی ارتقاء داده و به کاهش نرخ مهاجرت‌ها کمک شایانی بنماید.
3. با توجه به رابطه مثبت نرخ بیکاری و مهاجرت، دولت با ارائه امکانات مناسب و تسهیلات مورد نیاز جوامع، به ویژه با در نظر گرفتن انتظارات نسل جوان در جهت ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی می‌تواند از هجوم بی‌رویه مهاجرت‌ها جلوگیری کند و نرخ بیکاری را به حد قابل توجهی تقلیل دهد تا سیر مهاجرت‌ها بتواند یک روند نرمال و طبیعی را طی کند، نه یک نرخ فزاینده که امروزه شاهد آن می‌باشیم به ویژه در مهاجرت‌های روستایی به شهری.
4. با توجه به رابطه مثبت ضریب نفوذ اینترنت و مهاجرت، بایستی دولت در جهت آمایش صحت تبلیغات اینترنتی جهت ترغیب انگیزه‌های مهاجرتی شهروندان اطلاع رسانی کافی نماید، تا از این طریق بتواند زمینه‌های مهاجرت‌های مناسب را فراهم کرده و همچنین از مهاجرت‌های بی‌رویه و غیر کارآمد جلوگیری کند، چرا که ایجاد انگیزه مهاجرت به واسطه فن‌آوری‌های اینترنتی امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

منابع

- اطلاعات استانی مرکز آمار ایران. (1395). قابل دسترسی در سایت <http://www.amar.org.ir>
- بنی‌اسدی، م؛ و همکاران. (1392). بررسی عوامل اقتصادی موثر بر مهاجرت روستاییان در ایران. *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*. 1، 183-196.
- تقوی، ن. ا. (1378). *مهاجرت‌های روستا - شهری*. تهران: انتشارات سمت.
- جعفری، س. م. (1392). *عوامل موثر بر مهاجرت روستاییان و تاثیر بر تولید کشاورزی و تحلیلی بر عوامل موثر بر تمایل و انگیزه به مهاجرت روستاییان به شهر*. (مطالعه موردی روستاهای شهرستان مرودشت). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.

- جمالی، ج؛ و دیگری. (1390). کاربرد مدل رگرسیون کلاس پنهان در مدل‌سازی عوامل مرتبط با مهاجرت‌های بین‌استانی در ایران. **مجله مدل‌سازی پیشرفته ریاضی**. 1، 43-63.
- رحمانی، ت؛ و دیگری. (1390). اثر مهاجرت بر رشد اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای در ایران. **فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی**. 5، 1-19.
- زنجانی، ح، ا. (1380). **مهاجرت**. تهران: انتشارات سمت.
- غفاری مقدم، ز؛ و دیگری. (1386). بررسی عوامل موثر در مهاجرت از روستا به شهر در ایران. **ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران**.
- فرتوک‌زاده، ح؛ و دیگری. (1387). مدل دینامیکی پدیده مهاجرت نخبگان و نقش نظام آموزش عالی در آن. **فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**. 50، 139-168.
- گل‌محمدی، ف. (1392). بررسی تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اشتغال مهارت‌آموختگان: وضعیت‌ها، مشکلات و راهکارها، (مطالعه موردی استان خراسان جنوبی). **دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی**.
- مستوفی‌الممالکی، ر؛ و همکاران. (1393). بررسی الگوهای حرکتی مهاجرت‌های بین‌استانی و تعیین عوامل موثر بر آن‌ها در کشور. **دانش‌انتهامی خراسان رضوی**. 24، 32-1.
- Ferrer, A. Green, D. A. & Riddell, W. C. (2004). The Effect of Literacy on Immigrant Earnings. **International Adult Literacy Survey**. 12. P.p: 89-552.
- Glaser, W. (1978). **The Brain Drain: Emigration and Return**. Pergamon Press. Oxford.
- Guan, J. & Mcelroy, J. A. (2012). The Determinants of Migration in small Islands. **The International Journal of Research into Island Cultures**. 1. P.p: 80-95.
- Kanwal, H, Naveed, T. A. & Azhar Khan, M. (2015). **Socio-Economic Determinants of Rural-Urban Migration in Pakistan**. J. Asian Dev. Stud. 4. P.p: 72-85.
- Kothari, U. (2002). Migration and Chronic Poverty. **Institute for Development Policy and Management**. Working paper. 16.
- Mahapatro, S. R. (2010). **Patterns and Determinants of Female Migration in India**. Insights from Census. Working paper. 40.
- Malamud, O. & Wozniak, A. (2012). The Impact of College on Migration: Evidence from the Vietnam Generation. **The Journal of Human Resources**. V. 47. P.p: 913-950.
- Mattoo, A. & Neagu, I. C. & Ozden, C. (2005). Brain waste? Educated immigrants in the U.S. labor market. **Policy Research Working Paper Series**. 3581.